

## بازخوانی ماجرای پیچیده و مسکوت ترور حاجعلی رزم آرا

۱۹ آبان ۱۴۰۳ ساعت ۱۶:۲۳

۱۶ اسفند ۱۳۲۹ خورشیدی سپهبد رزم آرا نخست‌وزیر محمدرضا پهلوی که برای شرکت در یک مجلس ختم در مسجد شاه حضور یافته بود در حیاط مسجد به وسیله یکی از اعضای جمعیت فدائیان اسلام به نام خلیل طهماسبی به ضرب گلوله به هلاکت رسید. طهماسبی در دادگاه مسوولیت قتل را پذیرفت و گفت یک خائن را کشتم.

۱۶ اسفند ۱۳۲۹ خورشیدی سپهبد رزم آرا نخست‌وزیر محمدرضا پهلوی که برای شرکت در یک مجلس ختم در مسجد شاه حضور یافته بود در حیاط مسجد به وسیله یکی از اعضای جمعیت فدائیان اسلام به نام خلیل طهماسبی به ضرب گلوله به هلاکت رسید. طهماسبی در دادگاه مسوولیت قتل را پذیرفت و گفت یک خائن را کشتم.

اما این پایان ماجرا نبود و گفته شد که اعتراف طهماسبی تحت شرایط خاص صورت گرفته و نمی‌توان به آن استناد کرد. به جز اینها، شخصیت رزم آرا و ارتباط آن با دولت‌های خارجی سبب شد که افراد و گروه‌های مختلف برای کشتن وی انگیزه و دلیل داشته باشند. برای نمونه محمد رضا پهلوی، مصدق، آیت‌الله کاشانی، نواب صفوی و ... همه از رزم آرا ناراضی نبودند. در ادامه این گزارش به برخی از این دلایل و افراد به عنوان عوامل قتل رزم آرا اشاره می‌شود:

اصل ماجرای ترور رزم آرا چه بوده است؟

روایت رسمی از ترور در مجلس ختم این‌طور نگاشته شده است که ۱۶ اسفند ۱۳۲۹ خورشیدی مجلس ختم آیت‌الله فیض قمی از بزرگان حوزه علمیه قم بود و نخست‌وزیر هم از باب احترام حضور هرچند کوتاه مدت در این مراسم را در برنامه روزانه خود قرار داده بود. جمعیت فدائیان اسلام به واسطه رویکرد رزم آرا در زمینه نفت که مبتنی بر مخالفت با ملی‌شدن بود و با این استدلال که او به وابستگی کشور دامن می‌زند و می‌خواهد ایران را به دامان انگلیس بیاندازد، تصمیم به اعدام انقلابی او گرفته بودند. خبر حضور رزم آرا در مجلس ختم آیت‌الله فیض که رسید از طرف فدائیان بهترین فرصت تشخیص داده شد. خلیل طهماسبی از اعضای فدائیان اسلام هنگامی که رزم آرا وارد صحن مسجد سلطانی شد از پشت او را هدف قرار داد و با شلیک سه گلوله به قتل رساند. رزم آرا در هنگام ترور از طرف اسدالله علم مشاور محمدرضا پهلوی همراهی می‌شد، همراهی جنجال‌برانگیزی که زمینه‌ساز برخی گمانه‌زنی‌های بعدی شد. خلیل طهماسبی بعد از سوءقصد بازداشت شد اما چندی بعد با تصویب ماده واحده‌ای از طرف نمایندگان نزدیک به جبهه ملی در مجلس شورای ملی که بر خیانت علی رزم آرا و حمایت او از اجانب بر ملت ایران صحنه می‌گذاشت، بی‌گناه تشخیص داده شده و از زندان آزاد شد.

فرضیه نخست: دخالت محمدرضا پهلوی به خاطر ترس از کودتا

معروف است که اولاً رزم آرا از طرف دولت انگلیس به محمدرضا پهلوی تحمیل شده بود و همچنین قصد کودتا و کشتن محمدرضا پهلوی را داشت. به دلیل اخیر از دیرباز پژوهشگران تاریخ سیاسی معاصر شخص محمد رضا را در ترور رزم آرا متهم دانسته‌اند.

به نظر می‌رسد که رزم آرا در روز ترورش قصد رفتن به مسجد شاه را نداشته و اسدالله علم او را با خود به مسجد برده است. امیر اسد الله علم نماینده شخص محمدرضا پهلوی و به عبارت واضح‌تر، جاسوس وی در دولت رزم آرا بود. وی در جریان ترور رزم آرا در ۱۶ اسفند ۱۳۲۹ خورشیدی نقش اسرارآمیزی بازی کرد که از زوایای تاریک زندگی سیاسی او است. شواهد و قرائن زیادی وجود دارد که از وجود توطئه‌ای از طرف دربار برای قتل رزم آرا حکایت می‌کند و علم در اجرای نقشه دربار، نقش مهمی بر عهده داشته است.

احسان نراقی پژوهشگر حوزه فلسفه و جامعه‌شناسی با حضور مهندس عباس امیر انتظام، حسن نراقی، محمد باقر چوپک و رحیم زهتاب‌فرد نقل کرد که پسر سپهبد رزم آرا، شخص محمد رضا را در ترور پدرش متهم می‌داند.

فرضیه دوم: انگیزه ملی‌گرایان با عنایت به نطق مصدق در مجلس

برخی مورخان مرور رویکرد و موضع ملی‌گرایان نسبت به عملکرد رزم آرا در دوران نخست‌وزیری را با نقل جمله‌ای از محمد مصدق نماینده شاخص ملی‌گرایان در مجلس شورای ملی خطاب به رزم آرا در جلسه هشتم تیر ۱۳۲۹ خورشیدی همراه می‌کنند. جایی که محمد مصدق با عصبانیت به سخنان نخست‌وزیر تاخته و گفت: به وحدانیت حق، خون می‌کنیم! خون می‌کنیم، می‌زنیم و کشته می‌شویم! اگر شما نظامی هستید، من از شما نظامی‌ترم. می‌گشم! در همین مجلس شما را می‌کشم.

صراحت مصدق در این مقطع در مواجهه با رفتارهای سیاسی رزم آرا بسیاری را به این نتیجه می‌رساند که ملی‌گرایان از ترور رزم آرا حمایت می‌کرده‌اند. موضوعی که از طرف برخی چهره‌های شاخص فدائیان نیز مورد تایید قرار گرفته است. حاج مهدی عراقی در کتاب ناگفته‌ها از تشکیل جلسه‌ای با حضور نواب صفوی رهبر فدائیان و تمامی اعضای مرکزیت جبهه ملی جز مصدق که به سبب بیماری حضور نیافته بود، پیش از ترور رزم آرا و پس از بالا گرفتن شایعات درباره تلاش نخست‌وزیر برای کودتا و انحلال مجلس سخن می‌گوید.

از جمله حاضران در این جلسه می‌توان به سیدحسین فاطمی، سیدمحمود نریمان، عبدالقدیر آزاد، مظفر بقایی، سیدابوالحسن حائری‌زاده، سیدحسین مکی، کریم سنجابی و سیدعلی شایگان اشاره کرد. جلسه‌ای چند ساعته که نواب در آن با تشریح وضعیت کشور تنها سد مقابل مسیر ملی شدن نفت را رزم آرا دانسته و از حذف او سخن می‌گوید. عراقی می‌نویسد: سید گفت که تنها سد راه حرکت ما یا سد راه اجرای این برنامه‌ها، وجود آخرین تیر ترکش انگلیس، یعنی رزم آرا است. اگر رزم آرا از سر راه برداشته بشود

ما به پیروزی نزدیک هستیم. چه بسا پیروزی را در دو قدمی خودمان می‌بینیم و به یاری خدا این کارها را انجام خواهیم داد.

فرضیه سوم: گلوله چهارم و ماجرای که جدی گرفته نشد

برخی هواداران فرضیه دخالت دربار در ترور رزم‌آرا از طرح این ادعا که اسدالله علم با کشاندن نخست‌وزیر به مسجد شاه مقدمات ترور را فراهم آورد، گذر کرده و حتی از شلیک گلوله از طرف محافظان رزم‌آرا به دستور دربار سخن می‌گویند. از جمله این افراد منوچهر رزم‌آرا برادر نخست‌وزیر ترور شده است. برادر کوچک‌تر رزم‌آرا می‌گوید: برادرم بدلیل هوش و پشتکار و صلاحیت در فنون نظامی ترقی بسیار سریع و بی‌سابقه‌ای تا احراز درجه سپهبدی در ۴۷ سالگی نمود. او در راس ستاد ارتش، کلیه امور حساس و مهم مملکت را زیر نظر داشت و به همین دلیل در ارتش ایران، بخصوص در کادر جوان از محبوبیت و پرستیژ بزرگی برخوردار بود، ولی در مراجع کهنه‌کار و کهنه‌پرست و رجال سیاسی پیر و فرسوده و دربار دشمنان متعددی برای خود ایجاد کرده بود. ترور او ناشی از اتفاق نظر سیاست خارجی بین دولت آمریکا و انگلیس بود. عوامل اجرایی و داخلی و بازوی قتل، ظاهر اجرایی اش به فدائیان اسلام واگذار شد اما طراحی دقیق و عملی ترور توسط عوامل دربار انجام شد. کارگردانی ترور هم توسط اسدالله علم وزیر کار آن زمان صورت گرفت که خود و خانواده‌اش پل ارتباطی انگلیس در ایران بودند.

اسدالله علم از مشکوک‌ترین افراد در ترور رزم‌آرا به شمار می‌آید که به طور شخصی و سازمانی، انگیزه‌های زیادی برای قتل نخست‌وزیر محمدرضا را داشته است.

پایان نامشخص ترور رزم‌آرا

همچنان که نوشته شد، علل و عوامل مختلفی برای ترور حاجعلی رزم‌آرا نقش داشته و از آن بهره می‌بردند و ممکن است جملگی این عوامل باعث قتل نخست‌وزیر شده باشد. اما همواره ماجرای ترور رزم‌آرا از جذاب‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین اتفاقات تاریخ معاصر است که در کتاب‌های زیادی درباره آن توضیح داده شده است. برای نمونه برخی از این موارد عبارتند از:

۱. سال‌های بحرانی - خاطرات ناصر قشقایی - صفحات ۱۲۴ الی ۱۲۶ نشر رسا ۱۳۶۶
۲. خاطرات سیاسی - سرهنگ مصور رحمانی - ۱۳۶۴ انتشارات رواق
۳. آن سوی خاطره‌ها - خاطرات سرتیپ شایان فر - وکیل مدافع نواب صفوی
۴. رحمانی، غلامرضا؛ خاطرات سیاسی، تهران، رواق، بی‌تا، صص ۲۷۰-۲۷۶.
۵. خاطرات جعفر شریف‌امامی - پروژه تاریخ شفاهی ایران - نشر نگاه امروز ۱۳۸۰ ص ۱۳۵
۶. سیری در نهضت ملی شدن نفت - خاطرات شمس قنات‌آبادی - ۱۳۷۷ - در ص ۲۱۰ الی ۲۲۰
۷. پروژه تاریخ شفاهی ایران - مصاحبه دکتر بقایی با دکتر حبیب‌لاجوردی مصاحبه دوم ۴ ژوئن ۱۹۸۶ - ص ۱۳۶ الی ۱۴۹
۸. گذشته چراغ راه آینده بی‌تاریخ - ص ۵۴۰-۵۴۲ به نقل از مجله خواندنیها ش ۳۹ و ۴۲ و ۴۴
۹. طلوعی، محمود؛ بازی قدرت، تهران، علم، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۴۵۰ الی ص ۴۵۵
۱۰. خاطرات حسن گرامی - مرکز اسناد انقلاب اسلامی - تدوین صمد قائم‌پناه - ۱۳۸۸
۱۱. خاطرات مرتضی کاشانی - مرکز اسناد انقلاب اسلامی - تدوین حبیب‌الله مهر جو - ۱۳۹۰

۱۲. اسرار قتل رزم آرا - محمد ترکمان - انتشارات رسا

۱۳. نامه روزگار - نصرالله خازنی - پروژه تاریخ شفاهی ایران

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/498888/آرا-رزم-حاجعلی-ترور-مسکوت-پیچیده-ماجرای-بازخوانی>